

خدا جون سلام به روی ماهت...

جادوی فوتبال ۳

داستان‌های حیرت‌انگیز از دنیای فوتبال



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!

مت اولدقیلد | بهنام جعفرزاده

جادوی فوتبال

داستان‌های
حیرت‌انگیز
از دنیای فوتبال

سرشناسه: اولدفیلد، مت
Oldfield, Matt
عنوان و نام پدیدآور: جادوی فوتبال ۳: داستان‌های حیرت‌انگیز از دنیای فوتبال / نویسنده: مت اولدفیلد؛ تصویرگر: آلی مان؛ مترجم: بهنام جعفرزاده
مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۱۹۲ ص: مصور. ۲۱×۱۴ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۴-۶۴۴-۵
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
عنوان اصلی: Unbelievable football. 3, How football can change the world, 2021
موضوع: فوتبال - ادبیات کودکان و نوجوانان / Soccer - Juvenile literature
موضوع: فوتبال - جنبه‌های اجتماعی - ادبیات کودکان و نوجوانان / Soccer - Social aspects - Juvenile literature
موضوع: فوتبال - داستان (N. S. G.) / Soccer stories (N. S. G.)
شناسه‌ی افزوده: مان، آلی، تصویرگر / Mann, Ollie
رده‌بندی افزوده: جعفرزاده، بهنام، ۱۳۶۱، مترجم
رده‌بندی کنگره: GV۹۴۳
رده‌بندی دیوینی: ۷۹۶/۳۳۴ [ج]
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۹۲۳۴۵۰۸
۷۲۶۴۰۱



انتشارات پرتقال

جادوی فوتبال ۳: داستان‌های حیرت‌انگیز از دنیای فوتبال

نویسنده: مت اولدفیلد

تصویرگر: آلی مان

مترجم: بهنام جعفرزاده

دبیر مجموعه: میترا امیری لرگانی

ناظر محتوایی: آزاده کامیار

ویراستاران: فریدالدین سلیمانی - سهیلا نظری

طراح جلد نسخه‌ی فارسی: زهرا میرزاوند

آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: مینا فیضی - فاطمه ثابتی

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیم

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۴-۶۴۴-۵

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لینتوگرافی: نقش سبز

چاپ: کاج

صحافی: مهرگان

قیمت: ۱۴۹۰۰۰ تومان



۳۰۰۰۶۳۵۶۴



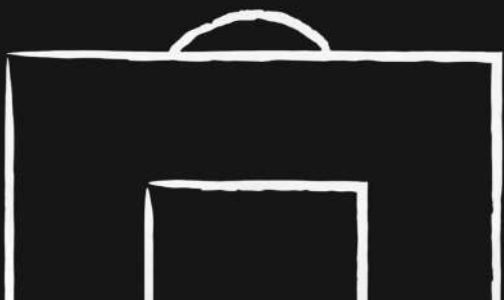
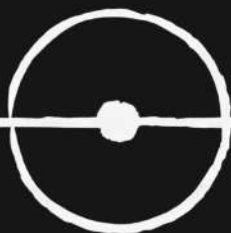
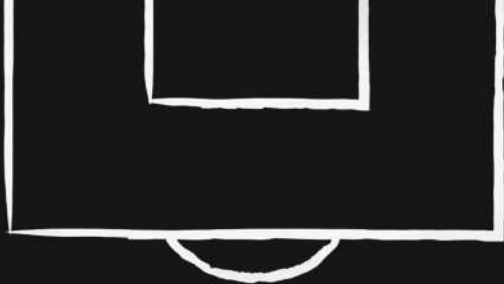
۰۲۱-۶۳۵۶۴



www.porteghaal.com



kids@porteghaal.com



فهرست

| | |
|-----|-------------------------------------|
| ۷ | مقدمه |
| ۱۱ | فصل اول: سال‌های آغازین |
| ۴۵ | فصل دوم: ۱۹۶۶ و باقی ماجرا |
| ۷۳ | فصل سوم: ماجراجویی‌های خارج از خانه |
| ۹۷ | فصل چهارم: قهرمان‌ها و ضدقهرمان‌ها |
| ۱۲۷ | فصل پنجم: بازگشت‌های باورنکردنی |
| ۱۵۳ | فصل ششم: پیشگامان |
| ۱۸۱ | نتیجه‌گیری |
| ۱۸۳ | سپاسگزاری |
| ۱۸۴ | نام‌نامه‌ی فوتبالی |

مقدمه

سلام و تبریک من را بپذیرید، چون همین حالا یکی از سه کتاب جادوی فوتبال را باز کردید! اگر به تازگی به باشگاه جادوی فوتبال پیوسته‌اید، خوش آمدید. اگر هم یک حرفه‌ای باتجربه هستید که از کتاب یک و دو لذت برده و تشنه‌ی داستان‌های بیشتری، بازهم خوش آمدید. پیش از آغاز، از آنجاکه من راهنمای شما در این کتاب هستم، باید برایتان بگویم داستان‌هایی که خواهید خواند، در سه چیز مشترک‌اند.

۱- فوتبال

۲- حقایق باورنکردنی

۳- انگلیس

بله، در این کتاب داستان‌هایی شگفت‌انگیز درباره‌ی تیم‌های ملی انگلیس می‌خوانیم: سه‌شیرها و شیرزن‌ها، گذشته و حال، پیروزی و شکست، لذت و غم. این کتاب شامل بخش‌هایی است که هرکدام داستان‌هایی مناسب همه‌ی هواداران انگلیس را در خود جای داده‌اند. این بخش‌ها از این قرارند: **سال‌های آغازین**، برای آن‌هایی که روزهای خوب (و نه‌چندان خوب) گذشته را ترجیح می‌دهند.

سال ۱۹۶۶ و باقی ماجرا، برای آن‌هایی که فقط دنبال جام هستند (چون ما قهرمان جام جهانی شدیم، نمی‌دانستید؟!)

۱. به انتخاب خودم!





ماجراجویی‌های خارج از خانه، برای آن‌هایی که از داستان‌های جالب، سرگرم‌کننده و گاهی مضحک تیم‌هایی که به سفرهای تدارکاتی خارجی می‌روند، لذت می‌برند.

قهرمان‌ها و خطاکارها، برای آن‌هایی که هم تشویق را دوست دارند و هم هو کردن را.

بازگشت‌های باورنکردنی، برای آن‌هایی که به دنبال بازی‌های پرهیجان با پایان خوش هستند.

و در پایان:

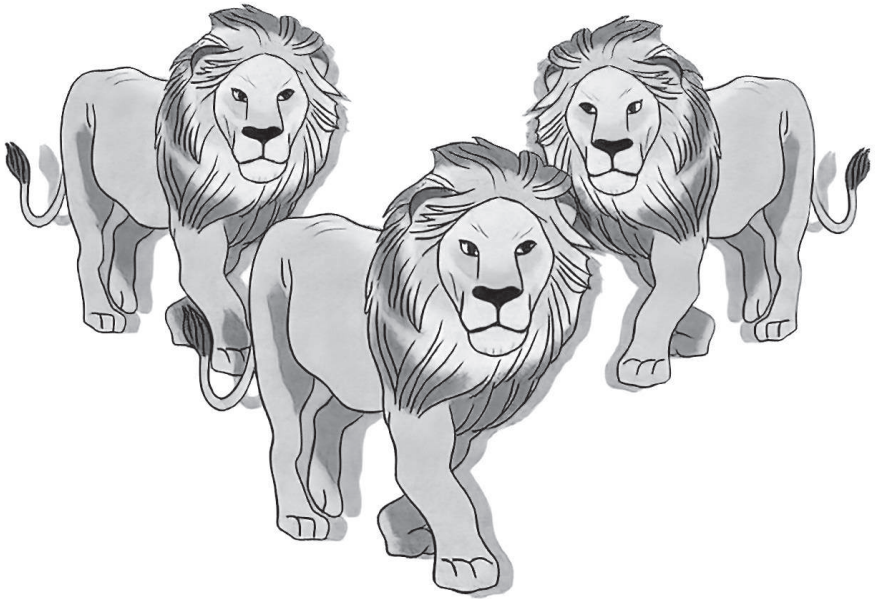
پیشگامان، برای آن‌هایی که می‌خواهند داستان‌های الهام‌بخش قهرمانانی را بخوانند که فوتبال انگلیس را تغییر دادند.

داستان‌های فوتبالی جالبی به نظر می‌رسند؟ خب، پیش از اینکه شروع به خواندن کنید، باید بهتان هشدار بدهم، چون این کتاب پر است از:

- دندان مصنوعی و شروع‌های اشتباه
- تیم‌های کوچک و سگ‌های خرابکار
- ستاره‌های تک‌بازی و کاپیتان‌های فوق‌العاده
- یک دست‌بند دزدیده‌شده و یک توپ دزدیده‌شده
- جاسوسی که برای تماشای پنالتی‌ها رفت و بازیکنان زیادی که پنالتی از دست دادند.

آماده‌اید؟ خب، پیراهن انگلیس را بپوشید (یا یک تیشرت سفید)، سرود ملی را بخوانید و شروع کنید...







حقیقت باور نکردنی

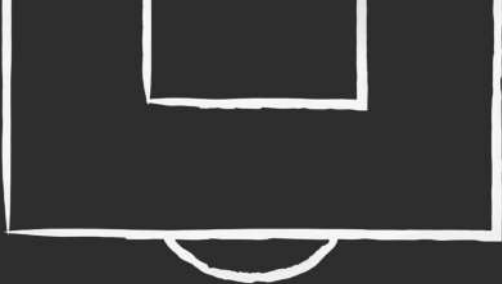


«سه شیرها» و «شیرزن‌ها»، لقب‌های خارق‌العاده‌ی تیم‌های ملی انگلیس از کجا آمده است؟ پاسخ ریچارد اول است که سال‌ها قبل در ۱۱۹۸ به ریچارد شیردل معروف بود. پادشاهان انگلیس دوست داشتند به نشانه‌ی شجاعت، تصویر یک شیر را روی نشان خاندان سلطنتی قرار بدهند، اما این ریچارد بود که اولین بار تصمیم گرفت پا را فراتر بگذارد و سه شیر روی نشانش داشته باشد.

عجب نابغه‌ی خلاق! طراحی جالب ریچارد چشم همه را گرفت و ۶۶۵ سال بعد، پس از تشکیل اتحادیه‌ی فوتبال انگلیس در سال ۱۸۶۳، آن‌ها به این نتیجه رسیدند که سه شیر می‌تواند نشانی بی‌نقص باشد. تیم مردان انگلیس از اولین بازی رسمی‌شان مقابل اسکاتلند در سال ۱۸۷۲ (بعداً در این مورد بیشتر می‌خوانید) این نشان را روی پیراهنشان داشته‌اند.

پیراهن تیم زنان انگلیس هم نشان مشابهی دارد. آن اوایل لقبشان «سه شیرزن‌ها» بود، اما چون این اسم خوب توی دهان نمی‌چرخد، این روزها بیشتر هواداران فقط «شیرزن‌ها» صدایشان می‌زنند.

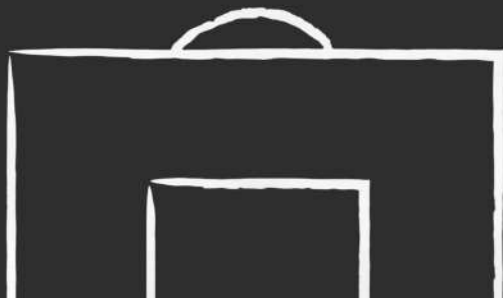




فصل اول



سال‌های آغازین





۱۸۷۰: اولین بازی ملی دنیا (غیررسمی)

بگذارید اول حقیقتی را بگوییم: اولین بازی فوتبال ملی دنیا در ۳۰ نوامبر ۱۸۷۲ بین انگلیس و اسکاتلند برگزار شد و نتیجه‌ی نهایی... ۰-۰ بود. اومممم، خیلی هم عجیب نیست، نه؟ بنابراین به جای اینکه در مورد همه‌ی اتفاقات آن تساوی خسته‌کننده در گلاسکو صحبت کنیم، می‌خواهیم در تاریخ فوتبال کمی عقب‌تر برویم، به سال ۱۸۷۰ و روز برگزاری اولین دیدار ملی غیررسمی دنیا. این درست که همین دو کشور و بعضی از همان بازیکنان به مصاف هم رفتند اما حرف من را باور کنید، داستان آن بازی بسیار سرگرم‌کننده‌تر است! همه چیز وقتی شروع شد که چارلز آلکاک، فوتبالیست و دبیر اتحادیه‌ی فوتبال انگلیس (از آن زمان تا به حال به اتحادیه می‌گوییم اف‌ای!) ایده‌ی فوق‌العاده‌ای مطرح کرد. در واقع او ایده‌های فوق‌العاده‌ی زیادی داشت، از جمله برگزاری اف‌ای کاپ^۲ اما این یکی حتی از آن هم بهتر بود. حالا که هواداران بیشتر و بیشتری برای تماشای بازی‌ها می‌آمدند، چه می‌شد اگر رویداد بین‌المللی بزرگی را سازماندهی می‌کردند؛ دیداری بین همه‌ی کشورها، به جای باشگاه‌های محلی؟ برای مثال انگلیس مقابل همسایه‌ی بریتانیایی‌شان اسکاتلند. تا آن زمان رقابت‌های کریکت و تیراندازی در سطح ملی بین این دو کشور برگزار شده بود. فوق‌العاده نبود اگر در زمین فوتبال هم با یکدیگر رقابت می‌کردند؟! آلکاک که این‌طور فکر می‌کرد؛ اما وقتی در بعضی روزنامه‌های اسکاتلندی،

۱. Glasgow؛ پایتخت اسکاتلند

۲. FA Cup؛ جام حذفی انگلیس



یک آگهی منتشر کرد، واکنش‌ها اصلاً مثبت نبود: نه، متشکریم. اسکاتلندی‌ها نمی‌خواستند برای یک مسابقه‌ی فوتبال تیم را آن‌همه راه تا لندن بفرستند. اما آلکاک از آن آدم‌هایی نبود که به‌راحتی تسلیم می‌شوند. اگر نمی‌توانست اولین بازی ملی تاریخ را برگزار کند، پس اولین دیدار ملی غیررسمی را ترتیب می‌داد. آگهی دیگری نوشت، این بار برای دو روزنامه‌ی چاپ لندن به نام‌های فیلد^۱ و اسپورتمن^۲:

روز شنبه، ۱۹ فوریه‌ی آینده، دیداری بین نمایندگان برتر بخش‌های اسکاتلندی و انگلیسی در اوال^۳ برگزار خواهد شد.

خب، چه کسانی رؤیای حضور در اولین بازی ملی فوتبال را داشتند؟ اتحادیه‌ی فوتبال از میان بازیکنان زیادی که درخواست دادند، بیست‌ودو نفر از بهترین‌ها را انتخاب کرد؛ تیم منتخب انگلیس بیشتر از میان بازیکنان واندررز، یکی از باشگاه‌های بزرگ این کشور، انتخاب شده بودند، و بازیکنان تیم اسکاتلند را هم از میان فوتبالیست‌های اسکاتلندی‌تباری برگزیدند که در باشگاه‌های لندن بازی می‌کردند. همه‌چیز برای برگزاری بازی ردیف شد! یا این‌طور به نظر می‌رسید. با نزدیک شدن به روز بازی، شرایط آب‌وهوایی آن‌قدر بد شد که این بازی بزرگ به تعویق افتاد. بالاخره در ساعت سه و ربع پنجم مارس ۱۸۷۰، سرانجام بازی شروع شد و اجازه بدهید شرایط باورنکردنی آن را توصیف کنم.

اوال درواقع زمین کریکت بود اما برای اولین بازی ملی تاریخ، دو تیرک چوبی در هر سمت زمین قرار دادند و روبانی بین آن‌ها بستند. چه؟ چرا؟ خب، تا دهه‌ی ۱۸۸۰ استفاده از تیر افقی درست‌وحسابی چندان معمول

۲. Sportsman؛ به‌معنای «ورزشکار»

۱. Field؛ به‌معنای «زمین بازی»

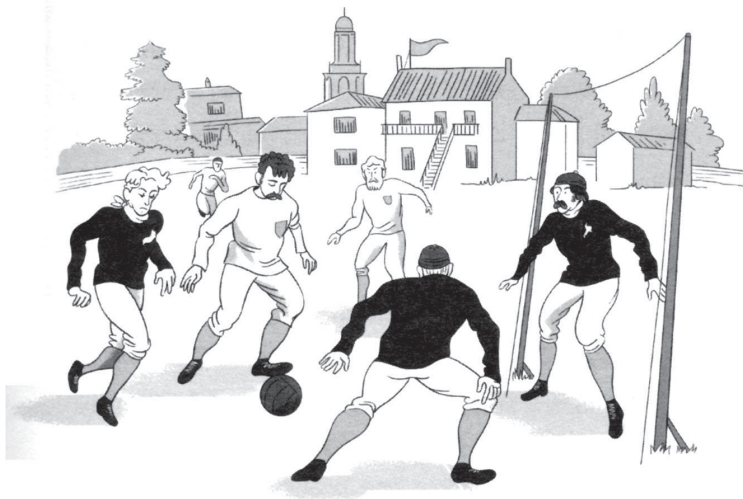
۳. Oval؛ زمین کریکت معروف لندن که دیدارهای فوتبال هم در آن برگزار می‌شد.





نود! تور دروازه و منطقه‌ی جریمه هم وجود نداشت؛ این‌ها بعد از سال ۱۸۹۱ سر از زمین فوتبال درآوردند.

این از شرایط زمین؛ حالا برویم سراغ بازیکنان. دو تیم با پیراهن‌های ویژه‌ای که برای این بازی پوشیده بودند از تونل ورزشگاه اوال خارج شدند: سفید برای انگلیس و سرمه‌ای برای اسکاتلند که نشان‌های ملی‌شان هم روی آن دوخته شده بود. البته این‌ها از آن پیراهن‌های سبک و کم‌وزنی نبود که فوتبالیست‌های امروزی می‌پوشند. نه، پیراهن‌های سنگین‌کنانی بود که با عرق کردن سنگین‌تر هم می‌شد. چقدر معرکه! برای تکمیل ظاهرشان، بازیکنان روی شلوارهای بلندشان، جوراب‌های بلند پوشیده بودند و بیشترشان حتی کلاه و دستمال‌گردن هم داشتند.



حالا آدم‌های خوش‌پوش چه کسانی بودند؟ خود آلکاک کاپیتان انگلیس بود و تیمش شامل تعداد زیادی تاجر، بازرگان و بانکدار، وکیل و پسرکی شانزده‌ساله به نام والپول ویدال بود که به «شاهزاده‌ی دربیبل‌زن‌ها» شهرت



داشت. از آن طرف اسکاتلند دو عضو پارلمان را در خط دفاعی اش داشت: جان وینگفیلد مالکوم، مرد عظیم‌الجثه‌ی صدونودوپنج‌سانتی‌متری با ریش پرپشت بلند، و ویلی گلدستون که پسر نخست‌وزیر هم بود. در واقع این دو سیاست‌مدار تنها مدافعان اسکاتلند در زمین بودند. آرایش‌های ۲-۴-۴ و ۳-۳-۴ را فراموش کنید؛ در طول دهه‌ی ۱۸۷۰، محبوب‌ترین آرایش‌ها ۸-۱-۱ و ۶-۲-۲ بود!

با چنین تاکتیک‌هایی، بازی‌ها باید به یک جشنواره‌ی گل تمام‌عیار تبدیل می‌شد، اما از بدشانسی ویدال، زمین لغزنده‌تر از آن بود که او مهارت‌های دربی‌ل‌زنی‌اش را به نمایش بگذارد و پاس‌کاری هنوز ایده‌ی خیلی جدیدی در فوتبال بود، در عوض بازی پر بود از لگد زدن‌ها و دوندگی‌های زیاد. در پایان نیمه‌ی اول، هنوز بازی ۰-۰ بود که برای حدود پانصد تا ششصد تماشاگر چندان سرگرم‌کننده نبود!

اما نگران نباشید، در نیمه‌ی دوم بازی خیلی هیجان‌انگیزتر شد. بازیکنان انگلیس بارها و بارها حمله کردند، اما نتوانستند از خط دفاعی قوی و توهمند اسکاتلند عبور کنند و گل بزنند. چقدر ناامیدکننده!

همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، آکاک آدم خیلی باهوشی بود، اما گاهی در گرماگرم بازی حتی از باهوش‌ترین بازیکنان هم کارهای عجیبی سر می‌زند. او مدام بیشتر و بیشتر ناراحت می‌شد که چرا تیمش گل پیروزی را نمی‌زند تا اینکه سرانجام تصمیم عجیب و بسیار بدی گرفت؛ دروازه‌بان‌ش را فرستاد جلو تا به مهاجمان کمک کند!

سورپرایز، سورپرایز، روبرت کرافورد، یکی از بازیکنان اسکاتلند، توپ را گرفت و با ضربه‌ی بلندی دروازه‌ی خالی را باز کرد. ۱-۰!

آقای آکاک، با خودت چی فکر می‌کردی؟

باجوداین، انگلیس تسلیم نشد. آن‌ها به حمله ادامه دادند تا سرانجام بازی به هیجان‌انگیزترین شکل ممکن به پایان رسید. در دقیقه‌ی ۸۹، آلفرد





بیکر، که قهرمان دوی صدمتر هم بود، طوری پایه‌توپ جلو رفت که گلاسکو هرالد آن را «یکی از بهترین نفوذهایی که تا به حال شاهدش بودیم» توصیف کرد و گل تساوی را به ثمر رساند. ۱-۱! متأسفانه هیچ تصویری [از این بازی] وجود ندارد اما مطمئناً بعد از گل در کلاس جهانی بیکر، شادی بزرگی به پا شد.

به این ترتیب، اولین بازی (غیررسمی) فوتبال ملی در تاریخ برگزار شد؛ چقدر سرگرم‌کننده! این دیدار موفقیتی بزرگ بود و با توجه به اینکه با تساوی به پایان رسید، هواداران خواستار مسابقه‌ای دیگر بین این دو تیم شدند. در طول دو سال بعدی، انگلیس و اسکاتلند چهار بازی دیگر از «دیدارهای منتخبان» را برگزار کردند که سه پیروزی برای انگلیس و یک تساوی دیگر به همراه داشت. اما اسکاتلندی‌های شکست‌خورده بهانه می‌آوردند: «ولی این بازی‌ها حساب نیست، چون این بهترین تیم ما نبود!» تا اینکه سرانجام ایده‌ی فوق‌العاده‌ی آلكاك به واقعیت تبدیل شد و دو کشور توافق کردند اولین دیدار ملی رسمی را با بهترین بازیکنانشان در سال ۱۸۷۲ انجام دهند.

برای اسکاتلند این به معنای انتخاب کل تیم کوئینزپارک، بهترین باشگاه اسکاتلند در آن زمان، بود و برای انگلیس چه؟ آلكاك، در مقام دبیر اتحادیه‌ی فوتبال، به انتخاب تیم برای آن روز کمک کرد، اما متأسفانه به علت مصدومیت نمی‌توانست در زمین کاپیتان تیمش باشد. بازی بدون گل به پایان رسید، ولی شروع اتفاق بسیار بزرگی بود. فوتبال ملی آغاز شد و آماده بود دنیا را تسخیر کند...



اوج و فرود فوتبال [ملی] زنان در سال‌های آغازین

درباره‌ی اولین دیدار فوتبال ملی غیررسمی مردان خواندید، اما اولین بازی ملی غیررسمی فوتبال زنان چه زمانی و چطور برگزار شد؟ این دیدار یازده سال بعد، در ۷ مه ۱۸۸۱ برگزار شد. آن روز تیمی از گلاسکو برای اسکاتلند و تیمی از لندن برای انگلستان در ورزشگاه ایستررود ادینبرو، به مصاف هم رفتند. هرچند متأسفانه واکنش‌ها نسبت به دو بازی کاملاً متفاوت بود. آماده باشید تا برایتان از بعضی از موارد نابرابری بگوییم.

مطبوعاتی که از بازی مردان به‌عنوان یک رویداد ورزشی بزرگ تقدیر کردند، بازی زنان را در حد شکل جدید و عجیبی از نمایش‌های زنان دانستند؛ مانند حرکات نمایشی که حالا با توپ انجام می‌شد. روزنامه‌ی گلاسکو هرالده گزارش داد: «روز شنبه در ایستررود ادینبرو، دیدار فوتبال نسبتاً جدیدی برگزار شد. زنان جوان هجده تا بیست‌و‌چهارساله که بسیار هوشمندانه لباس پوشیده بودند در آن حضور پیدا کردند.»

بله، به‌جای پوشیدن لباس‌های عادی فوتبال، زنان مجبور بودند همیشه «درست» لباس بپوشند، بنابراین چاره‌ای نداشتند جز اینکه با دامن یا شورت‌های ورزشی بلند و گشادی معروف به نیکرباکرز، همراه با حمایل، کمربند و جوراب بازی کنند و مجبور بودند توپ را با چکمه‌های «ساق‌بلند بنددار» و پاشنه‌دار شوت کنند. باورناتان می‌شود؟ لابد این لباس‌ها بازی کردن را ده برابر سخت کرده بود. ادینبرو ایونینگ نیوز هم بازی را پوشش داد و آن‌ها هم ترجیح دادند بیشتر روی لباس زن‌ها تمرکز کنند، تا فوتبال بازی





کردنشان: «گفتنی است لباس‌های جالب‌توجهی که به تن کرده بودند، صحنه را بسیار دلربا کرده بود.» تا به حال شنیده‌اید کسی بازی مردان را «دلربا» توصیف کند؟ نشنیده‌اید، درست می‌گوییم؟

بسیاری از مردان حاضر در آن اولین دیدار ملی غیررسمی در سال ۱۸۷۰، صفحه‌ی ویکی‌پدیای خود را دارند، اما از آن فوتبالیست‌های زن در سال ۱۸۸۱ چیز چندانی نمی‌دانیم. ترکیب اصلی انگلیس و اسکاتلند در روزنامه‌ها منتشر شد، اما مشخص نیست که آیا نام‌هایشان واقعی بود یا از نام‌های مستعار استفاده کرده بودند تا هویت واقعی‌شان را پنهان کنند. چرا باید این کار را می‌کردند؟ چون آن زمان در بریتانیای دوران ویکتوریایی، ورزشی پربرخورد و فیزیکی مانند فوتبال را فعالیت‌ی مناسب بانوان نمی‌دانستند. در عوض از آن‌ها انتظار می‌رفت در خانه بمانند و از خانواده و فرزندانشان مراقبت کنند.

علی‌رغم این تبعیض آشکار، بیش از هزار تماشاگر برای تماشای این بازی بزرگ حضور پیدا کردند. با عرض معذرت از هواداران انگلیس، اسکاتلند ۳-۰ پیروز شد و لیلی سنت‌کلر (اگر این نام واقعی‌اش باشد!) اولین گل تاریخ فوتبال ملی زنان را به ثمر رساند. بعد از موفقیت اولین بازی، دو تیم تصمیم گرفتند یک هفته‌ی بعد دومین بازی را در گلاسکو برگزار کنند، اما این بار اوضاع بدجور به هم ریخت.

حدود پنج‌هزار نفر در شاوفیلد گراوندز حضور پیدا کردند، از جمله گروهی از تماشاگران مرد خشن و متعصب که «مصمم بودند مانع شوند زنان بازی آن‌ها را انجام بدهند». هرچه بیشتر از بازی می‌گذشت، جو ورزشگاه ناآرام‌تر می‌شد. ابتدا جمعیت شعارهای وحشتناک جنسیت‌زده سر دادند و سپس در اوایل نیمه‌ی دوم، مردان خشمگین وارد زمین شدند. بازیکنان برای حفظ امنیت به اتوبوسشان برگشتند، اما تماشاگران آن‌ها را خارج از زمین هم تعقیب کردند. چقدر ناعادانه!



مقاله‌ای در گاردین ناتینگهام‌شایر این‌طور آغاز شد: «دیداری که احتمالاً اولین و آخرین مسابقه‌ی فوتبال زنان در گلاسکو بود، غروب دوشنبه برگزار شد.»

مدتی زنان فوتبالیست، معروف به «خانم‌های بازیکن»، با رفتن به جنوب، در شهرهای انگلیس مانند بلکبرن، شفیلد، لیورپول و بردفورد به بازی ادامه دادند اما سرانجام بعد از حملات بیشتر، بازی‌های ملی آن‌ها لغو شد.

اما فوتبال زنان اینجا به پایان نرسید. بازی‌های سال ۱۸۸۱ ثابت کرد مردم زیادی مشتاق بودند که برای تماشای بازی فوتبال زنان پول بپردازند؛ آنچه آن‌ها حالا نیاز داشتند، حمایت و سازماندهی بیشتر بود. سیزده سال بعد، تحت تأثیر آن دیدارهای ملی آغازین، نت‌ی هانی‌بال (که این هم اسم واقعی‌اش نیست!) باشگاه فوتبال زنان بریتانیا (بی‌ال‌اف‌سی) را با هدفی مشخص در لندن تأسیس کرد؛ «اثبات این نکته به دنیا که زنان مخلوقات زینتی و بی‌مصرفی که برخی از مردان تصویر می‌کنند، نیستند.»

بازیکنان بی‌ال‌اف‌سی مصمم بودند تصویری را تغییر دهند که به زنان می‌گفت چه کارهایی را می‌توانند و چه کارهایی را باید انجام دهند و این را بخشی از مبارزه‌شان برای برقراری تساوی جنسیتی می‌دانستند. بنابراین در زمین فوتبال، «لباس منطقی» را جایگزین دامن‌ها و شلووارهای بلند کردند؛ یعنی لباسی کاربردی‌تر که مردان می‌پوشیدند: پیراهن، شورت ورزشی، ساق‌بند و کفش‌های بدون پاشنه. عادلانه به نظر می‌رسد، نه؟

اولین بازی بی‌ال‌اف‌سی در سال ۱۸۹۵ دیدار تیم‌های شمال و جنوب لندن بود و ده‌هزار هوادار خوشحال، به اضافه‌ی چند روزنامه‌نگار بد اخلاق به تماشای این بازی نشستند. در گزارش نشریه‌ی اسکیچ این‌طور آمده: «چند دقیقه‌ی ابتدایی کافی بود تا ثابت شود که زنان هیچ ربطی به فوتبال ندارند. فوتبالیست نیاز به سرعت، توان تصمیم‌گیری، مهارت و شجاعت دارد. هیچ‌یک از این چهار خصوصیت در بازی روز یکشنبه وجود نداشت.»





وای! خب نمی‌شود همه را راضی نگه داشت، می‌شود؟ در مجموع این دیدار موفقیتی بزرگ بود و به سایر تیم‌های زنان نیز انگیزه داد تا وارد میدان شوند. به این ترتیب دیدارهای بسیار بیشتری در ورزشگاه‌های بزرگ سراسر انگلیس از جمله ورزشگاه سنت جیمز پارک، ورزشگاه تیم نیوکاسل یونایتد، برگزار شد. بیشتر این بازی‌ها پول زیادی برای خیریه جمع‌آوری می‌کردند و به اندازه‌ی لیگ فوتبال مردان پرترفدار بودند. به لطف سیستم راه‌آهن دوره‌ی ویکتوریایی، بی‌ال افسی می‌توانست به سرتاسر بریتانیا سفر کند و نماینده‌ی انگلیس در دیدارهای ملی غیررسمی مقابل تیم‌هایی از اسکاتلند، ولز و ایرلند باشد.

هرچند با همه‌ی این پیشرفت‌ها، فوتبال زنان هنوز راهی طولانی در پیش داشت. بازیکنان بی‌ال افسی بیشتر اوقات با تبعیض روبه‌رو می‌شدند و بسیاری از آن‌ها همچنان از نام‌های غیرواقعی استفاده می‌کردند، تا جایی که یکی از ستاره‌هایشان فقط به نام تامی معروف بود. متأسفانه آن‌طور که بازیکنان خانم در سال ۱۸۸۱ دستشان آمد، این شورا اشتیاق [به فوتبال] دوام چندانی نداشت. در سال ۱۹۰۰، بی‌ال افسی از حضور در بازی‌ها کنار کشید و فوتبال زنان تا سال ۱۹۱۴، زمانی که جنگ جهانی اول سراسر اروپا را فراگرفت، به حاشیه رانده شد. در یک سمت جنگ، فرانسه، روسیه و بریتانیا بودند و در سمت دیگر، آلمان، اتریش-مجارستان و ایتالیا.

در انگلیس، قانون خدمت سربازی در سال ۱۹۱۶ تصویب شد و به‌موجب آن همه‌ی مردان مجرد بین هجده و چهل و یک سال باید برای جنگ ثبت‌نام می‌کردند. در مجموع، بیش از دوهزار مرد که فوتبالیست حرفه‌ای بودند در طول جنگ جهانی اول جنگیدند. آن‌ها حتی واحد نظامی مخصوص خودشان را داشتند که گردان فوتبالیست‌ها نام داشت.

اما اوضاع فوتبالیست‌های زن چطور بود؟ در طول جنگ، بسیاری از زنان در کارخانه‌های مهمات‌سازی که اسلحه و تجهیزات می‌ساختند، کار



می‌کردند. آن‌ها در زمان ناهارشان، بین همهی آن کارهای کثیف و خطرناک، فوتبال بازی می‌کردند. تیم‌های کارگری در سراسر کشور وجود داشت اما بهترین و معروف‌ترین تیم قطعاً تیم زنان دیک‌کر در پرستون لنکشایر بود. آن‌ها نه فقط تیم شماره‌ی یک انگلیس بودند، بلکه با تیم‌های قدرتمند کشورهای دیگر هم رقابت داشتند.

در سال ۱۹۲۰، تیم دیک‌کر دو بازی مقابل تیمی فرانسوی از پاریس انجام داد، ابتدا مقابل بیست‌وپنجهزار هوادار در ورزشگاه دیپ‌دیل تیم پرستون نورث‌اند و سپس مقابل پانزده‌هزار نفر در اجلی پارک، ورزشگاه تیم استاکپورت کانتی. انگلیس در هر دو بازی فرانسه را با نتیجه‌های ۲-۰ و ۵-۲ شکست داد و فلوری ردفورد، مهاجم تیم، سه گل به ثمر رساند. در آن زمان، این دیدارها به‌عنوان اولین دیدارهای ملی زنان توجه بسیاری را به خود جلب کرد، اما تیم زنان دیک‌کر همین‌جا متوقف نشد. در طول چند سال بعد، غول‌های انگلیسی با تیم‌هایی از کشورهای ایرلند، اسکاتلند، ولز و آمریکا هم روبه‌رو شدند و هیچ‌وقت حتی در یک بازی هم شکست نخوردند. فوتبال زنان هیچ‌وقت خیلی محبوب نبود. در باکسینگ‌دی^۱ سال ۱۹۲۰، تیم دیک‌کر در مقابل پنجاه‌وسه‌هزار نفر در ورزشگاه گودیسون پارک اورتون بازی کرد که رکورد جدیدی برای دیدارهای فوتبال زنان به شمار می‌رفت. هرچند دوران خوب آن‌ها رو به پایان بود. طی جنگ این دیدارها بسیار سرگرم‌کننده و مفرح بودند، اما پس از بازگشت مردان از جنگ، اتحادیه‌ی فوتبال انگلیس به این نتیجه رسید که زمان آن رسیده زنان به‌جای حضور در زمین فوتبال، برای اجرای نقش سنتی‌شان به خانه برگردند. به‌رحال این ورزش «برای زنان نامناسب» بود. در سال ۱۹۲۱، آن‌ها دیدارهای فوتبال زنان را در تمامی زمین‌های اتحادیه‌ی فوتبال ممنوع کردند. این یعنی دیگر

۱. Boxing Day؛ یک روز بعد از کریسمس که دیدارهای فوتبال انگلیس در زمهری بخشی از برنامه‌ی تعطیلات، طرفداران زیادی دارد.





از بازی در زمین‌های مناسب و مقابل جمعیت‌های زیاد خبری نبود. این اقدام ضربه‌ای بزرگ به فوتبال انگلیس، هم در سطح رقابت‌های داخلی هم سطح ملی، بود و پنجاه سال دیگر طول کشید تا فوتبال [زنان] دوباره بتواند سر بلند کند.

اما نگران نباشید، همان‌طور که خودتان در ادامه خواهید خواند، وقتی سرانجام فوتبال زنان برمی‌گردد، بهتر و سرگرم‌کننده‌تر از همیشه در میدان حاضر خواهد شد.

